

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

جلوه‌های ادب آیینی و مولفه‌های پایداری در دیوان قاسم رسا

مسعود سلطانی پارسا^۱

چکیده:

ادبیات پایداری، روایتگر مقاومت و ایستادگی انسان‌ها در طول تاریخ است. شاعران این عرصه، خود را در برابر درد و رنج اجتماع مسئول می‌دانند و فریاد مظلومیت و عدالت‌خواهی ستمدیدگان را به گوش جهانیان می‌رسانند و با معرفی اسوه‌های مقاومت و پایداری، مردم را به ایستادگی در برابر ستم و ستمگران فرامی‌خوانند. نویسندگان در این پایان‌نامه، به بررسی جلوه‌های ادب پایداری در اشعار قاسم رسا پرداخته است. قاسم رسا یکی از شاعران معاصر مدیحه‌سرا است. اشعار وی روان و عموماً ساده و بیشتر در مدح ائمه معصومین علیهم‌السلام است. در این مقاله، پس از معرفی شاعر و بیان آثار و جایگاه شاعری و فعالیت‌های سیاسی و مذهبی او و همچنین بحث درباره ادبیات پایداری، به بررسی سیر تحول و تطور اشعار پایداری این شاعر پرداخته شده است. سپس مضامین پایداری که در اشعار رسا به کار رفته است، استخراج گردیده که علاوه بر مضامین اصلی، مضامین ضمنی ادب پایداری را نیز در برمی‌گیرد. قاسم رسا در اشعار پایداری خود، ضمن بیان ظلم و جنایت ستمگران، چهره مظلوم اهل بیت پیامبر را به تصویر کشیده است. وی با ترسیم آینده روشن و معرفی اسوه‌های مقاومت و پایداری، مردم را به قیام علیه ستم فراخوانده است. حمد و ثنای پروردگار و مدح و منقبت پیامبر و اهل بیتش، بخشی از درون‌مایه‌های اشعار آیینی و ادب پایداری رسا را تشکیل می‌دهد.

کلمات کلیدی: ادبیات، آیین، ادبیات پایداری، دیوان قاسم رسا، اشعار، شاعر، معاصر، محتوا، ویژگی‌های سبکی.

^۱ کارشناس زبان و ادبیات فارسی (پردیس فرهنگیان شهید بهشتی مشهد)
کارشناسی ارشد گرایش ادبیات پایداری (دانشگاه سراسری یزد)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مقدمه:

بدون تردید، شناخت شاعران و معرفی آثار آن‌ها یکی از عوامل غنا بخشیدن به فرهنگ و ادبیات جامعه است. شاعران زیادی در طول زندگی خود و حتی پس از آن ناشناخته باقی مانده‌اند و کمتر کسی از زندگی‌نامه و آثار آن‌ها آگاهی دارد. در این جا، وظیفه مقاله‌نگران است که با تفکر و تعمق در آثار بزرگان زمینه خلاقیت آنان را دریابند و به معرفی ایشان بپردازند تا شاید گوشه‌ای از خدمات آن‌ها را به تصویر بکشند.

قاسم رسا در سال ۱۲۹۰ شمسی در تهران ولادت یافت و در سنین نوجوانی به مشهد رفت و تا آخر عمر در آنجا زیست؛ بدین جهت است که شاعر خود را پرورش یافته خاک خراسان می‌خواند. پدرش شیخ محمدحسن رسا مردی مؤمن و خوش مشرب بود. رسا در سال ۱۳۱۵ شمسی در رشته طب فارغ التحصیل شد و مدتی در خراسان به طبابت مشغول بوده و معاونت بهداری خراسان را نیز به عهده داشت. دکتر رسا که به افتخار عنوان ملک الشعراء آستان قدس رضوی نیز نائل آمد در ادبیات، لغت و تاریخ مهارتی داشت. اشعار وی روان و عموماً ساده و بیشتر در مدح ائمه معصومین علیهم السلام است.

مهم‌ترین اثر رسا دیوان اوست که در هفت بخش مدایح و مناقب چهارده معصوم (ع) قطعات و پندیات، قصاید، غزلیات، کلمات، رباعیات و مثنویات و مراثی و مدایح ائمه اطهار (ع) گردآوری و منتشر شده است. اشعار رسا از تازگی و کیفیت خاصی برخوردار است؛ به طوری که معانی و مضامین و طرز ادای کلام وی را در دیگر دیوان‌ها کمتر می‌توان یافت و صبغة سخن وی کاملاً از دیگر شعرای هم عصر خود، ممتاز است.

خراسان شاعران نامی و بزرگی را در خود پرورش داده است و این سرزمین پهناور خاستگاه بسیاری از سراینندگان در موضوعات گوناگون به شمار می‌رود. قاسم رسا، پزشک و شاعر معاصر ایرانی، از شاعران قرن چهاردهم خطه خراسان است که خوش درخشیده و آثار ارزشمندی از خود بر جای نهاده است؛ اما پس از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

وفاتش آن گونه که شایسته مقام اوست، مورد توجه قرار نگرفته است و این رساله می تواند آغاز خوبی برای معرفی این شاعر متعهد باشد. [۱]

«قاسم رسا در سال ۱۲۹۰ شمسی در خانواده‌ای مذهبی و روحانی، در تهران ولادت یافت و در سنین نوجوانی، به مشهد رفت و تا آخر عمر در آنجا زیست؛ از این رو او خود را پرورش یافته خاک خراسان می خواند. پدرش شیخ محمدحسن رسا مردی مؤمن و خوش مشرب بود. رسا در سال ۱۳۱۵ شمسی در رشته طب فارغ التحصیل شد و مدتی در خراسان به طبابت و معاونت بهداری خراسان مشغول بود. رسا افتخار عنوان ملک الشعرائی آستان قدس رضوی را به دست آورد و نیز در ادبیات، لغت و تاریخ مهارتی داشت. اشعار وی روان و عموماً ساده و بیشتر در مدح ائمه معصومین علیهم السلام است»

گفته شده است: «دکتر رسا دارای حافظه‌ای نیرومند بود. چندان که اکثر اشعار خود را حفظ داشت و در بدیهه سرایی استاد بود و تا زمان حیات عنوان ملک الشعرائی آستان قدس رضوی را داشت و در مراسم رسمی و اعیاد مذهبی شرکت می جست؛ و در مدایح و مناقب اهل بیت و ائمه اطهار علیهم السلام قصایدی بلند می سرود و دیوان اشعارش به چاپ رسید. سرانجام وی در سال ۱۳۵۶ شمسی در شصت و شش سالگی چشم از جهان فرو بست».

وی با وجود مسؤولیت‌های گوناگون اداری که ربطی به جهان شعر و ادب نداشت، الفت و انس دیرینه خود را با ادبیات منظوم قطع نکرد و ذهن خلاق وی سرگرم چیدن واژگان ادبی گشت و اشعار بسیار زیبا و نغزی سرود. رسا بیشتر آثار خود را از حفظ بوده و در مجالس و محافل انس، این شعرها را تکرار می نموده و وجودش موجب نشاط و انبساط خاطر مردم می شده است. سروده‌های قاسم رسا همانند بسیاری از شاعران هم عصر او در قالب‌های گوناگون به دست مخاطبان رسیده است.

دیوان این شاعر بزرگ، در هفت بخش مدایح و مناقب چهارده معصوم (ع) قطعات و پندیات، قصاید، غزلیات، کلمات، رباعیات و مثنویات و مراثی و مدایح ائمه اطهار (ع) گردآوری و منتشر شده است؛ و «نخستین بار در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سال ۱۳۴۰ ه.ش با مقدمه دکتر یدالله سبحانی با وضعی دلپسند و تیراژ دو هزار در تهران چاپ و منتشر گردید» این دیوان در «حدود شش هزار بیت، به چاپ رسیده است و اثر دیگر او: «مرآتی و مناقب اباعبدالله الحسین»، به نظم، است که در مشهد به چاپ رسیده است». مجموعه اشعار وی در سال ۱۳۴۸ ه.ش انتشار یافته و در سال‌های بعد به چاپ‌های متعددی رسیده است. [۲]

قطعات و قصایدی که قاسم رسا سروده در پند و نصیحت مردمان دنیا و همین‌طور مدح و منقبت اهل بیت است که در اغلب مجلات و مطبوعات اندک آن روزگار منتشر شده است. کلیات اشعار قاسم رسا، عنوان مجموعه اشعار اوست که با تلاش و مقابله «محمدعلی صفری زرافشان» در چند صفحه به چاپ رسیده است. البته انگشت‌شماری از اشعار او هنوز در دیوانش نیامده است.

یکی از گونه‌های ادبیات دینی، ادبیات آیینی است که به بیان ارزش‌ها، آداب، رسوم، رویدادهای اسلامی و ستایش و مدح بزرگان دین می‌پردازد. «شعر آیینی به گونه‌ای از شعر متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنایی و محتوایی صبغه دینی دارد». از ابتدای ظهور دین اسلام تا عصر کنونی شاعران و نویسندگان کثیری به گسترش ارزش‌ها و معرفی شخصیت‌های برجسته دین مبین اسلام همت گماشته و نقش ویژه‌ای در پایداری و ترویج مسائل دینی داشته‌اند.

«با توجه به تعریفی که از شعر آیینی و محتوای آن بیان شد، ما با سه قلمرو موضوعی معین و قابل تعریف مواجه هستیم و از این رو می‌توانیم تقسیم‌بندی موضوعی زیر را از شعر آیینی داشته باشیم:

۱- شعر توحیدی، نیایشی و عرفانی، ۲. شعر اخلاقی و پندی، اجتماعی، مقاومت، بیداری و دفاع مقدس ۳.

شعر ولایی.»

واژه پایداری با ظلم‌ستیزی عجین شده و تداعی کننده آن است. «ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد است که از سوی مردم و پیشکسوتان فکری جامعه در برابر آنچه زندگی مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به وجود می‌آید^۲» و همچنین به آثاری اطلاق می‌شود که «بر اثر اوضاع اجتماعی مانند جنگ، استبداد داخلی، اختناق، اشغال نظامی و سرکوب آزادی‌های اجتماعی قرار دارد و به خاطر مضمون و درون‌مایه‌اش که ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است، شناخته می‌گردد» بیان مشکلات قشرهای ضعیف جامعه که قربانی حکومت‌های ظالم شده‌اند، نوید دادن پیروزی در آینده، ارج نهادن به جان‌باختگان راه آزادی و القای امید به ایستادگی برای رهایی، از جمله مضمون‌های مشترک در آثاری است که در حوزه ادبیات پایداری جای می‌گیرد. نگرانی اصلی نویسندگان این آثار، بی‌هویت شدن نسلی است که رفاه و منفعت‌طلبی، آن‌ها را از توجه به مشکلات مردم خود باز می‌دارد. ادبیات پایداری، هم در قالب نثر و هم در قالب شعر ظهور و بروز می‌کند. مؤلفه‌های ادبیات پایداری عبارت‌اند از: وطن‌دوستی و وطن‌پرستی، ستم‌ستیزی، حمایت از مظلوم، نکوهش حاکمان جور، طعن و هجو بیگانگان، مردم‌گرایی، ستایش شهادت و مرگ مجاهدانه، غفلت‌ستیزی، تحریک و انگیزش قیام و انقلاب، استقلال‌طلبی، اتحاد و همدلی، درس و عبرت از گذشته، دین‌گرایی و قاسم رسا در سرودن شعرهایی با مضامین بکر شهرت داشته است. چنان که در همسویی با ایرانیان و هم‌صدایی با جهانیان، در حمایت از مظلومان گیتی، شعرهای فراوانی با مضمون استقلال و آزادی دارد و به‌نحوی بازگوکننده احساسات پاک ملت ایران است. همچنین در قطعات و پندیات او نوآوری، آینده‌نگری و شوخ‌طبعی مشاهده می‌شود.^[۳]

اشعار آیینی این شاعر از دیدگاه علم بیان نیز قابل بررسی است. علم بیان از علوم بلاغی است که به موضوعات تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه می‌پردازد.

در مجموع قاسم رسا شاعری است که به ادب آیینی و مضامین پایداری عنایت و اهتمام ویژه دارد که بررسی آن‌ها مسئله اصلی این مقاله است.

تاکنون هیچ مقاله مستقلی به بررسی جلوه‌های ادب آیینی و مؤلفه‌های پایداری در دیوان قاسم رسا پرداخته و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تألیف نشده است. اما در خصوص موضوع ادب آیینی و ادبیات پایداری، کتابها و مقالات بسیاری تألیف شده است و هر نویسنده سعی کرده است به یک جنبه از موضوع بپردازد و این بیانگر آن است که دایره اطلاعات و گستردگی موضوعات در رابطه با ادبیات آیینی و همچنین موضوع پایداری به حدی است که در هر زمینه‌ای که تحقیق شود، باز هم موضوعی برای تحقیق وجود دارد و هر کس بر اساس دیدگاه خاص خود به جنبه‌هایی از این موضوع پرداخته است. [۴]

ادبیات پایداری

تعریف ادبیات پایداری

در واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، میر صادقی در رابطه با ادبیات مقاومت گوید: «ادبیات مقاومت به سرودها و تصنیف‌ها، شعرها، داستان‌ها و نمایشنامه‌هایی، گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی سروده و یا نوشته شده است و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در بین مردم است. معمولاً این نوع آثار، در دوره‌ای خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندانه به آن پرداخت شود، از حیطة تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند.»

در تعریفی دیگر، «ادب مقاومت به همه آثار اطلاق می‌شود که زشتی‌ها و فجایع مستکبران داخلی تا متجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار در زمان جنگ، برخی پیش از رخ نمودن فاجعه یا پس از گذشت زمان به نگارش چگونگی آن می‌پردازد.»

«بارباراهارلو» نیز در کتاب ادبیات مقاومت، شعر مقاومت را این‌گونه تعریف کرده است: «شعر مقاومت واکنشی همگانی را در برابر سلطه ظلم بسیج می‌کند. شعر مقاومت شعر پویا و زنده است که می‌تواند کانالی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

برای بیان حرف‌های ستم‌دیده به ستمگر باشد. شعر مقاومت برعکس قواعد مرسوم ادبی غرب است و عاری از موضوعات شخصی است و پیامی جهانی می‌یابد.»

بزرگ‌ترین وظیفه ادبیات مقاومت، «رساندن صدای مظلومان به جهانیان و دفاع از حقوق پایمال شده مادی و معنوی آن‌هاست و از دیگر سو، ملت‌هایی که قربانی آتش جنگ‌افروزی دولت‌هایشان می‌شوند صداهایشان در همین ادبیات بازتاب می‌یابد.»

امیری خراسانی در مقاله‌ای با موضوع «تعاریف و حدود ادبیات پایداری»، ضمن بررسی تعریف‌هایی گوناگون از ادب پایداری به این نتیجه رسیده است که ادب پایداری دارای عناصر زیر است: [۵]

۱- امید به ایجاد مدینه فاضله و رسیدن به جامعه موعود و انتظار موعود منتظر بر اساس اندیشه‌های شیعی از عناصر برجسته‌ساز این ادبیات است:

۲- خاستگاه این ادبیات، مردمی و اجتماعی است و از لحاظ ساختار فکری از دوره‌ای تا دوره دیگر متفاوت است؛

۳- تعهد و التزام به عقاید و باورهای دینی، اسلامی و انسانی که موجب حفظ حریم‌های انسانی حتی در میدان‌های جنگ می‌شود، در این ادبیات وجود دارد؛

۴- در این نوع ادبیات، رویارویی و پایداری جبهه حق علیه باطل در مورد تجاوز در مقابل طاغوت‌ها و زورگویان زمان انعکاس پیدا می‌کند؛

۵- ادبیات پایداری، متعلق به ایران و جوانمردی ایرانیان در برابر متجاوزان و زورگویان است. «

عناصر ادبیات پایداری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ادبیات پایداری، بیانگر مقاومت و ایستادگی مردم در طول تاریخ است. شاعران این حوزه، خود را در برابر درد و رنج اجتماع مسئول می‌دانند و فریاد مظلومیت و عدالت‌خواهی ستمدیدگان را به گوش مردم جهان می‌رسانند و با معرفی اسوه‌های مقاومت و پایداری، مردم را به مبارزه در برابر ستم و ستمگران فرامی‌خوانند. «ادب مقاومت نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از سوی مردم و طرفداران فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنان را تهدید می‌کند به وجود می‌آید.» [۶]

این نوع ادبی عموماً با زبانی روشن بیان می‌شود و با توجه به مقتضیات هر دوره تاریخی جلوه آن و نحوه بروز و ظهورش می‌تواند متفاوت با دوره دیگر باشد؛ به گونه‌ای که در یک برهه تاریخی، نوع ادب معترض، افشاگر و هشداردهنده و در دوره‌های دیگر نوع ادب عارفانه و زاهدانه و در روزگاری دیگر ادبیات رثا و مرثیه را در مجموعه ادبیات پایداری به حساب می‌آوریم»، بر اساس این تعریف، عنصر اصلی در ادبیات پایداری، «تعهد» است. «برای آنکه ثابت شود عنصر تعهد و التزام در ادبیات، به‌ویژه ادبیات مقاومت ایران چه اهمیتی دارد، باید به معیارهای دینی و اسلامی که پیوند جدایی‌ناپذیر با ادبیات متعهد ایران دارند، نیز توجه نماییم»

قرآن کریم بزرگ‌ترین معیار ما است. بر اساس آنچه از مفهوم التزام و تعهد در پیوند با اهداف بلند و آسمانی ادبیات دریافت می‌شود، نظریه ادبیات متعهد و ملتزم به زمان نزول قرآن برمی‌گردد. قرآن درباره شعر نکاتی را بیان کرده و تفاوت شاعر متعهد را با شاعر غیر متعهد در آیات مختلف بیان نموده است، بنابراین شعر جهت پیدا کرد و در باب شعر و شاعری باید و نباید و مقصد و مقصود مطرح شد و همین باید‌ها و نبایدها یعنی شعر متعهد. سیر ادبیات متعهد روشن می‌کند که ادبیات پایداری، به‌سوی تکامل ادبیات برای رسیدن به اهدافی که متوجه کمال مادی و معنوی انسان‌هاست به پیش می‌رود.

«عنصر «مردم»، یکی از عناصر ادبیات پایداری است» به همین دلیل، ادبیات پایداری را بدون در نظر گرفتن حضور و نقش مردم در آن، نمی‌توان شناخت. البته نباید این‌گونه برداشت شود که هر اثر ادبی- هنری مردمی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

الزاماً ادبیات پایداری است. ادبیات پایداری متعلق به همه ملت‌هاست. تاریخ نشان می‌دهد که در جوامع بی‌دغدغه و آرام که تحت فشار حاکم و یا حمله بیگانگان قرار نگرفته‌اند، نمی‌توان نشانه‌ای از ادبیات مقاومت دید، بنابراین در تاریخ معاصر ایران که مردم قدرت ظهور در مسائل سیاسی - اجتماعی را پیدا کرده‌اند، ادبیات پایداری نیز گسترش یافته است. [۷]

یکی دیگر از عناصر ادبیات پایداری، «تحوّلات و تلاطمات اجتماعی» است. دگرگونی‌های اجتماعی ممکن است در اثر حمله و تجاوز بیگانگان، وجود یک حاکم ظالم و یا با حاکم شدن فردی وابسته به قدرت‌های خارجی بر ارکان جامعه، رخ نمایند. به‌عنوان مثال، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی و همچنین دفاع مقدّس، همگی باعث تحوّل اجتماع و به‌دنبال آن، تحوّل آثار ادبی شدند.

«پیشروان فکری جوامع، یکی دیگر از عناصر ادبیات پایداری است که به دلیل توانایی در بهره‌گیری از ابزارهای ادبی، در آفرینش ادبیات پایداری نقش عمده‌ای دارد. در پدید آمدن ادبیات انقلاب اسلامی، نقش رهبران فکری جامعه، همچون شهید مرتضی مطهری، با تدوین ایدئولوژی انقلاب و نقش محوری امام خمینی (ره) را چه در آثار کتبی و چه در بیانات شفاهی نباید از نظر دور داشت.»

شاعران که همواره، زبان گویای مردم زمانه خود بوده‌اند، تلاش کردند که صحنه‌های بی‌نظیر مقاومت مردم و مظلومیت آنان را در اشعارشان نشان دهند. «عنوان ادبیات پایداری، معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که با توجه به شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرند؛ بنابراین، جان‌مایه این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» قرآن کریم نیز در آیات مختلف، مؤمنان را به مبارزه در برابر ظالمان توصیه کرده است؛ به‌عنوان مثال، در سوره انفال، آیه ۱۵ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

أَمْنُوا إِذَا لَقَيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه در میدان نبرد به کافران برخورد کردید که به‌سوی شما روی می‌آورند، به آنان پشت نکنید.

بر اساس آیات قرآن و تعالیم اسلامی، مقاومت در برابر دشمن، جهاد نامیده می‌شود و امری مقدس است. ادبیات پایداری، حوزه‌ای بسیار گسترده دارد؛ «گاه چنان حوزه آن وسیع است که پایداری در برابر همه عناصر زیر را شامل می‌شود: [۸]

-اندیشه‌ها و باورها

- طبیعت و مظاهر آن

-حکومت‌های بیگانه و غاصب

-خود (خواست‌ها، آرزوها، کشش‌ها و کشمکش‌ها)»

سرشت انسان بدی را بر نمی‌تابد، از این رو ناسازگاری خود را با ظلم و ستم به اشکال مختلفی نشان می‌دهد و هنگامی که مبارزه با مظاهر ظلم و ستم در قالب کلمات ظاهر شود، ادب پایداری شکل می‌گیرد. درواقع، ادبیات پایداری، تجلی ستیز با بدی و بیداد با سلاح «کلمه» است و بیانگر دردها و رنج‌هایی است که از سوی دشمنان داخلی یا خارجی بر ملتی تحمیل می‌شود.

وجه تمایز ادبیات پایداری با دیگر ادبیات‌ها در پیام و مضمون آن است؛ بدین معنا که آثاری از این دست اغلب آینه دردها و مظلومیت‌های مردمی هستند که قربانی نظام‌های استبدادی شده‌اند. این آثار ضمن بیان امید به آینده، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم می‌پردازند، بنابراین، شاخص‌های ادبیات پایداری را می‌توان چنین بیان کرد:

-ستایش آزادی و آزادگی و آزادگان؛

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

-ستایش سرزمین و وطن؛

-دعوت به مبارزه و پایداری؛

- بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها؛

ترسیم چهره رنج‌کشیده و مظلوم مردم؛

-توصیف و ستایش جان‌باختگان و شهیدان؛

-دل‌تنگی و حسرت ماندن پس از شهیدان؛

-اعتراض به بی‌دردی، بی‌هویتی، رفاه‌زدگی و غفلت؛

-القای امید به آینده و پیروزی موعود

- طرح افتخارات گذشته؛

عوامل پیدایش ادبیات پایداری

درباره موضوع پایداری گفته شده است: «نخستین نشانه‌های پایداری و مقاومت انسان در ادبیات را می‌توان

در اسطوره‌ها و حماسه‌های ادبی دید، چنان که در ادبیات یونان باستان، مفهوم اسطوره با جنگ خدایان و

قهرمانان یا مصائب و سختی‌هایی که بر اقوام کهن گذشته، گره خورده است.» [۹]

ادبیات مقاومت و پایداری پیشینه‌ای بس طولانی دارد؛ زیرا این نوع از ادبیات، تحت تأثیر جنگ و مبارزه شکل

گرفته و مطالعه تاریخ، بیانگر آن است که نمی‌توان دوره‌ای را در طول تاریخ در نظر گرفت که جنگ و نزاع در

آن وجود نداشته باشد؛ بنابراین «ادبیات پایداری مربوط به آن قسمت جنگ است که در دفاع از مظلومان و با

هدف ستایش آزادی و برابری انسانی شکل می‌گیرد و با عنصر تعهد و التزام درمی‌آمیزد تا از تمام حقوق

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

انسان‌ها در مقابل متهاجمان زورگو، برای به دست آوردن جامعه آرمانی که سرشار از عدالت و آزادی است دفاع کند.» [۱۰]

سیر تحول و تطور ادبیات پایداری

کاربرد عنوان ادبیات پایداری در شعر موضوعی جدید است و معمولاً به آثاری گفته می‌شود که در عصر کنونی نوشته شده‌اند و با موضوع مبارزه با جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آن‌ها را نشان می‌دهد و متضمن رهایی و رشد و بالندگی جوامع انسانی هست.

در واقع، عبارت «شعر پایداری» معادل عبارت «ادب المقاومة» است که «غسان کنفانی»، نویسنده فلسطینی برای این نوع ادبیات پیشنهاد داد. عنوان «ادب المقاومة» در دهه شصت در ایران رواج یافت و معادل فارسی آن، یعنی «ادبیات پایداری» است.

این نوع ادبی، در طول تاریخ و در طول تهاجم قدرت‌ها و در تدافع جوامع سلطه ناپذیر، همواره به مثابه سلاحی بازدارنده، رخ داده و موجب احیا، ادامه و بقای فرهنگی جوامع شده است. مفهوم پایداری، هرچند در آغاز، معنایی کاملاً نزدیک و حتی مساوی با مقاومت دارد؛ اما به تدریج معنای جدیدی یافت به گونه‌ای که معنای رایج شعر پایداری در روزگار ما، شعری است که به طور مستقیم به جنگ با دشمن می‌رود. [۱۱]

ادبیات پایداری در تاریخ اسلام

در طول تاریخ اسلام از همان ابتدای بعثت پیامبر اکرم (ص)، در مقابل مفاخره‌ها و خودستایی‌های قوم عرب جاهلی، زبانی فاخرتر رخ نمود که ادبیات پیشین در مقابل آن بی‌رنگ و بی‌رونق شد. در چنین زمانی بود که پایه‌های ادبیات نوین مقاومت مسلمانان پی‌ریزی شد و شاعران مسلمان و پیروان و حامیان پیامبر (ص) با سرودن اشعاری به دفاع از اسلام و پیامبر (ص) همت گماشتند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

قصاید ابوطالب، شاید نخستین سروده‌هایی است که در ستایش و دفاع از پیامبر (ص) و مسلمانان سروده شد. هنگامی که ابوطالب کار را سخت دید و مشاهده کرد که قبیلهٔ قریش، افراد مسلمان شدهٔ خود را شکنجه می‌دهند و از دینشان باز می‌دارند، در میان بنی‌هاشم و بنی‌مطلب بن عبد مناف به پا خاست و آنان را به حمایت از پیامبر (ص) و نگهداری وی دعوت کرد. پس همه جز ابولهب به وی پیوستند و دعوت وی را در حمایت از رسول خدا (ص) پذیرفتند.

ابوطالب در مواجهه با حوادث گوناگونی که رخ می‌داد با سرودن اشعاری، دشمنان را در سختگیری‌هایش شکست می‌داد و از حریم پیامبر (ص) دفاع می‌کرد. سروده‌های ابوطالب و دفاع او از پیامبر (ص) توانست، بخشی از خطرهای جدی را از پیامبر (ص) دور سازد.

در زمان پیامبر (ص) شعر به‌عنوان تنها اسلحهٔ کارآمد، در شکستن دشمنان به کار گرفته می‌شد. در تمام جنگ‌ها، همواره شاعرانی بوده‌اند که در توصیف صحنهٔ جنگ، هجو دشمن و توصیف مبارزات مجاهدان مسلمان شعر می‌سرودند.

به‌جز این موارد، در حوادث مهم عصر پیامبر (ص)، به‌ویژه در حادثهٔ غدیر خم، قصایدی غرأ سروده شد. «سروده‌های صحنه‌های نبرد، منظومه‌های پایداری، رجزها، شعارها در جنگ‌های صدر اسلام، جوشش‌گاه احساسات پاک، اندیشه‌های متعالی و آرمان‌های بلند رزمندگان و مجاهدان اسلام است» [۱۲]

تاریخچهٔ ادب پایداری در مفهوم خاص

سابقهٔ ادب پایداری در مفهوم خاص آن و مباحث نظری جدید در مورد این نوع ادبیات به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که بعد از این جنگ در اروپا مخصوصاً کشور فرانسه، متفکران و هنرمندان تحت تأثیر جنگ و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نهضت مقاومت به این نتیجه رسیدند که باید در تحولات جامعه، حضور فعال داشته باشند. مروجان این دیدگاه از جمله سارتر و کامو قائل به نوعی التزام و تعهد در هنر بودند.

«در نتیجه جنگ دوم جهانی در فرانسه، وضع به گونه‌ای بود که بین نویسندگان و خوانندگان، میان گروه‌های مختلف اجتماعی و میان جریان‌های مختلف سیاسی، ارتباطی برادرانه برای تبادل نظر برقرار گردید. همه مردم امید داشتند که با هم جامعه فرانسه را متحول سازند و این امیدواری که نتیجه مستقیم جنگ و نهضت مقاومت بود سبب شد که نویسندگانی تا آن زمان از زندگی و حضور در اجتماع به دور بودند به مسائل سیاسی و اجتماعی روی آورند.» [۴]

سارتر در سال ۱۹۴۶ م. در کتاب «ادبیات چیست» می‌گوید: «ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است، شرکت کنیم ما می‌خواهیم ادبیات، وظیفه اجتماعی خود را که هرگز نباید فرومی‌گذاشت دوباره به عهده بگیرد.»

ادبیات پایداری ایران

شعر و ادبیات فارسی دارای سابقه‌ای بسیار قدیمی است. ادبیات فارسی گنجینه گران‌بهای است، به خصوص آنچه به صورت شعر بیان شده است. شاهکارهای ادبی همچون شاهنامه فردوسی که نظیرشان در ادبیات جهان کم است. چنین ادبیاتی با عمری دراز، در فراز و نشیب روزگار، راه پریچ‌وخمی را پیموده و اصالت خود را همچنان حفظ کرده است.

ادب مقاومت ایران که شاخه‌ای از این ادبیات اصیل است، ریشه در تاریخ کهن اقوام قدیمی و اصیل دارد، زیرا اقوام کهن، معمولاً نمونه‌های ارجمندی از ادبیات پایداری را در میراث مکتوب یا شفاهی خود داشته‌اند. بعضی از حماسه‌های قدیمی را می‌توان نمونه‌های عالی ادبیات پایداری به حساب آورد؛ همچون شاهنامه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فردوسی که به موضوع پایداری در برابر ظلم و بیداد دشمنانی اشاره کرده است که بر سرزمین ایران یورش آوردند. پس در شاهنامه، دشمنان آغازگر جنگ هستند و به همین دلیل ما اعتقاد داریم که شاهنامه را می‌توان در ردیف آثاری دانست که به پایداری و مقاومت یک ملت پرداخته است. [۹]

ادبیات پایداری در دوره مشروطیت

انقلاب مشروطیت، حرکتی بزرگ در تاریخ معاصر ایران بود؛ زیرا در برهه‌ای رخ داد که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران از هم گسیخته و متلاشی شده و ناامنی حکم‌فرما بود. عده‌ای از مردم که از حکومت ظلم و استبداد به ستوه آمده بودند، خواستار تغییر حکومت شدند و در اثر استقامت و پافشاری آنان مظفرالدین شاه، ناچار فرمان مشروطیت را صادر کرد؛ اما دیری نپایید که محمدعلی شاه مشروطه را زیر پا نهاد و مجلس را به توپ بست و اوضاع داخلی مغشوش شد و منجر به مداخله بیگانگان در کشور گردید. همین امر سبب شد تا روزنامه‌نگاران و شاعران انقلابی به نوشتن و سرودن اشعار در دعوت کردن مردم به قیام در برابر دولت روی آورند و دردهای جامعه و مردم از زبان شاعران جاری شد و تحول و انقلابی در شعر به وجود آمد.

ادبیات پایداری در دوره انقلاب اسلامی

شعر دوران انقلاب، همگام با شکل‌گیری انقلاب و در سال‌های پایانی حکومت رژیم پیشین به وجود آمد و مسیر خود را مشخص ساخت. «در راهپیمایی‌ها و تظاهرات روزهای اول انقلاب، بسیاری از شاعران با الهام از دستاوردهای نهضت، شعر سرودند و ارزش‌های نوین قیام مردم را، که معمولاً جنبه حماسی، عرفانی و دینی داشت در شعر خود بیان کردند. بعد از پیروزی انقلاب این آثار زیاد شد و رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های نسل انقلاب را در خود نشان داد.»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مابین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی، شعر پایداری تقریباً در همان مسیر قبل از انقلاب حرکت کرد. به عبارت دیگر، توصیف فداکاری مردم در برانداختن حکومت استبدادی، قیام و ایثار نیز یادآوری دوران سیاه و خفقان آلود گذشته، از جمله مهم‌ترین رسالت این نوع شعر بود. به همین سبب، شعر پس از پیروزی انقلاب، در جهت تأیید و تثبیت اندیشه‌های انقلابی و توسعه و تحول مفاهیم معنوی بسیار مؤثر بود. [۱]

«شعر بعد از انقلاب به شکل گسترده، اجتماعی و متعهد شود و شعر و شاعر به آرمان‌های اکثریت ملت و نشر ارزش‌ها، شعارها و خواسته‌های دینی، مردمی و ملی جامعه انقلابی پایبند می‌گردد. از سال ۵۹ به بعد، به دنبال حمله عراق به ایران، ادبیات با گرایش گسترده، به جنگ روی آورد. شعر در این دوران، به دلیل اینکه راه کوتاه‌تری بین تحریک قریحه و آفرینش داشت، نسبت به قالب‌های دیگر گسترش وسیع یافت و به خدمت جنگ و مسائل پیرامون آن درآمد.

ادبیات پایداری در دوران دفاع مقدس

در آغاز جنگ تحمیلی، شاعران بنا به اقتضای زمان و فضای حاکم بر جامعه، بیشتر به واقعیت‌ها توجه نموده و در سرودن شعر، بیشتر به لحن حماسی توجه کردند و «بی‌هیچ تکلف و تصنعی با صمیمیت و صداقت، رزمندگان و امت مسلمان را به ادامه مبارزه و استقامت در برابر دشمنان دعوت کردند.»؛ اما رفته‌رفته شعر از جنبه مصداقی و عینی بیرون آمد و «به مفاهیم کلی و مضامین مشترک سرشت انسانی پرداخت که این شعر بعد از پایان جنگ با موضوعاتی چون حسرت بر جاماندن از کاروان شهیدان، یادآوری و دلیری رزمندگان و تنهایی و غربت در قید تعلقات دنیوی گرفتار شدن و گله‌مندی از جامعه با استفاده از شعرهای اعتراض‌آمیز خود را نشان داد.» [۵]

ادبیات پایداری پس از جنگ هشت‌ساله

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در آثار ادبی پس از جنگ هشت ساله، جز برخی ویژگی‌های سال‌های دفاع مقدس مانند ستایش و تکریم رزمندگان، شهیدان، آزادگان، جانبازان و مردم، ویژگی‌های دیگری نیز دیده می‌شود. همه مردم به‌ویژه شاعران انقلابی و متعهد، خود را در برابر جان‌افشانی‌های رزمندگان، شهیدان، جانبازان و همه کسانی که به‌نوعی در خلق حماسه بزرگ هشت سال دفاع مقدس نقش داشتند، مسئول می‌دانستند و کوشش می‌کردند تا نتیجه مقاومت و ایثار آنان را حفظ کنند و ارزش‌های دفاع مقدس را در قالب شعر و نثر، به نسل‌های آینده انتقال دهند.

«نگرانی از کمرنگ شدن ارزش‌های انقلاب و دستاوردهای دفاع مقدس و فراموشی آن، دغدغه اصلی شاعران و نویسندگان این دوره است. در آثار این دوره، شاعر به افراد رفاه‌طلب بی‌درد می‌تازد؛ بر فراموشی‌ها و دگرگونی‌ها می‌آشوبد و فریاد عدالت‌خواهی سر می‌دهد. شوریدن بر سکوت جهانی، مذمت اهل ریا و فرصت-طلبان، شکایت از فریبکاری و فراموشی گذشته و سرزنش شاعران سکوت کرده در اشعار پس از دفاع مقدس جلوه‌گر است.» [۱]

نتیجه‌گیری:

دکتر قاسم رسا، یکی از شاعران پیشرو و متقدم در شعر آیینی و ادبیات پایداری است. ادب مقاومت، بیانگر ایستادگی و پایداری انسان‌ها در طول تاریخ است. شاعران ادب پایداری، خود را در برابر مشکلات مردم و جامعه مسئول می‌دانند و فریاد عدالت‌خواهی و مظلومیت مردم ستمدیده را به گوش دیگر جهانیان می‌رسانند و با معرفی اسوه‌های پایداری و مقاومت، مردم را به مبارزه در برابر ظلم و ستم ستمگران دعوت می‌کنند. ادبیات مقاومت به آن معنی و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مفهومی که امروز مد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی قرار دارد، همان معنی مبارزات اجتماعی و سیاسی مردم، علیه حکومت ظلم و ستم است که در ادبیات ایران، آغاز آن را از دوره مشروطه می‌دانند، با آغاز مشروطه، دربار شاهان که پایگاه شاعران بود به هم خورد و شاعران در خدمت مردم و میهن قرار گرفتند و به بیان مفاخرات ملی و بحث درباره آزادی و وطن همت گماشتند؛ شعر و شاعری مردمی شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، ادبیات فارسی وارد مرحله جدیدی شد و محتوای اشعار دگرگون شد. در دوران هشت سال دفاع مقدس، شعر مقاومت، بستری مناسب برای نشان دادن صحنه‌های بی نظیر دلاوری‌ها و رشادت‌ها و مقاومت مردم مبارز ایران در برابر تجاوز ستمگران بود. بارزترین ویژگی شعر مقاومت در دوران دفاع مقدس، الهام گرفتن از اسوه‌های دینی، مضامین قرآنی و حوادث تاریخی است. از بین همه این موارد، حادثه کربلا و نیز موضوع ظهور حضرت مهدی (عج)، بیشترین بسامد را دارد. بیان اشعار مذهبی، مدح و مرثیه ائمه اطهار، مبارزه علیه ظلم و ستم، انتظار فرج و ظهور موعود، ستایش ملت مبارز ایران، از برجسته‌ترین موضوعات اشعار پایداری قاسم رسا است. در دیوان قاسم رسا از انواع قالب‌های شعری به کاررفته است. اشعارش علاوه بر رسایی و شیوایی و فصاحت و بلاغت، شوری و معنویتی استثنایی دارد. رسا، شاعری اهل درد است و شعر او بیانگر آلام و دردهای مردم و جامعه است، تناسب بین وزن و پیام شعر، یکی از عوامل اصلی فصاحت و روانی اشعار اوست، قاسم رسا اوزانی را برای سروده‌هایش انتخاب کرده که بتواند به آسانی پیام خود را به مخاطب منتقل سازد و بر او اثرگذار باشد. [۶]

منابع:

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، به تصحیح هاشم رسولی، قم، انتشارات علامه، ۱۳۹۰.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۳. ابوبکر محمد بن ابراهیم کلاباذی، التعرف، به کوشش احمد علی رجایی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۴. احمدی بیرجند، احمد، اشک خون مناقب و مراثی حضرت سیدالشهداء، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۸.
۵. اربلی، محدث، کشف الغمه، فی معرفه الائمه علیهم السلام، ج ۱، تبریز، بنی هاشم، ۱۳۸۱ هـ.ق.
۶. امیری خراسانی، احمد، نامه پایداری، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۷.
۷. امین پور، قیصر، دیوان کامل اشعار، تهران، مروارید، ۱۳۸۰.
۸. امینی نجفی، عبدالحسین، ترجمه الغدیر، به کوشش محمد تقی واحدی و دیگران، ج ۱۱، تهران: بعثت، ۱۳۶۲.
۹. برقی، محمد باقر، سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۳، قم: انتشارات خرم، ۱۳۷۳.
۱۰. بصیری، محمد صادق، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، ج ۱، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۸.
۱۱. _____، هنر و ادبیات در غرب، تهران، نشر فردا، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۲. بیدج، موسی، مقاومت و پایداری در شعر عرب از آغاز تا امروز، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۹.